

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پوست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE

CHEHRE NUMA

Boite de la Poste

No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتھاي بدون

تر قبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جریده مصور

۱۵ رمضان المبارک ۱۳۲۲ هجری مطابق ۲۳ نوامبر ۱۹۰۴ میلادی

وجه پست داخله و خارجه بعهده اداره است

(قیمت آبونه سالیانه)

اسكندرية و قطر مصر

سه ريال ۳

ممالك دولت اعليہ ايران

سه تومان ۳

بلاد محروسه عثمانی

چهار مجيدي ۴

انگلند هندوستان

ده روپيه ۱۰

قققازيه تركستان

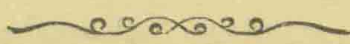
هشت منات ۸

اروپاچين بيست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ما هي دوبار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

وحکمتیانرا خصوصاً بشارت - تبریک - اعلان -
اعلان یاسر مشق بدر المنیر - اسامی و کلاهی
چهره نما



اخطار

چنانچه در شماره دویم اشاره کردیم اینک باز یاد آوری
میکنیم باوجودیکه کمال دقت و ممتھای مواظبت را در
نصحیح و طبع این روزنامه مسلی مرعی میداریم و ذره در
نکات صحت او فرو گذاری نداریم باز روزنامه مطابق
دخواه ما و موافق سابقه مشترکین عظام نشده است اگر چه
این روزنامه مرابا نائن و محبوب است و در انظار دقیق

فهرست مندرجات

اخطار - سیاسی - عفو الله عما سلف --
مکتوب جگر گداز از بخارا - چهره نما - مکتوب
از طهران - مکتوب انجمن ناصری زرتشتیان کرمان -
حضرت والا خدیو مصر - محسوسات توکیو پای
تخت ژاپون - تشکر از معارف پوری صدر اعظم -
سواد دستخط حضرت والا صدر اعظم - بلوچستان -
چهره نما - مکتوب از مسکو - عراق - مکتوب
از دزفول - مکتوب از تبریز - عالم معارف اعموما

نکته گران غیر مطلوب لیکن علت اصلی او کثرت اغلاط است باید خراطر فارین کرام و مشتری کین فخام مستحضر بوده باشد که در اسکندریه اعضا مطبوعه تمامی عربند و در چاپخانه کارکن فارسی زبان بلکه در قطر مصر یافت نمی شود و اگر در مصر بواسطه نشر روزنامه حکمت و ثریا و پرورش بعضی عملیات آشنائی با کلمات فارسی بمرور زمانه پیدا کرده اند در اسکندریه مدتها باید تا روزنامه بی عیب از چاپ بیرون آید در صورتیکه بدقت تمام هر سفر چهار پنج دفعه تصحیح میشود باز بعد که ملاحظه میشود غلط و از قلم افتاده بسیار دارد چنانچه در شماره (۱۳) بند (بندر) و قرین الشرف (قرین اشرف) دیده شد اگر چه نگارنده ادعای کمال نمیکند و مدعی صاحب سواد نیست لیکن بیک اندازه قلمش از نگارشات این قبل اغلاط املائی مصونست امید داریم بمرور دهور رفع معایب و دفع نواقص او شده باشد بشرطها و شروطها . . .

سیاسی

آن همه قلاقل و اضطراب و هیاهو و اعتصاب که نزدیک بود یکباره دایم مدار عالم انسانیت و قایم مقام جهان امنیت غریبانه از سریر آرامیت و مقام رفیع (اسم بی مسای) مدینت بزیر کشد . و زلزله جهالت و توخش بارکان بارگاه تمدن نوع اروپ اندازد اندکی علی الظاهر روی بآرامی و سکونت نهاد و تخفیفی بهیا هوهای اروپاویان عموماً و ملت انگلیس خصوصاً داد اگر چه نمیتوان این رقابت و همسری که دم از خونریزی بزرگ و جنگ سترک فیما بین دولتین انگلیس و روس میزند سکوتشرا تصدیق کرد و نسیا منسیا دانست که هر روزی رنگی و هر ساعتی نیرنگی بکار برند تادست سفایکی و وحشت از آستین بی باکی و دهشت بیرون آورند و خونهاریزند که تا مدتی تمادی از خنهای لندن و پترسبورغ ضجه و ندبه خیزد

حل عقد مشاجره دولتین انگلیس و روس من باب تعرض دسته کشتیهای جنکی بالتیک روس در بحر شمالی نسبت بصیادان و ماهی گیران دریای شمالی و شهر (هل) که از مستملکات دولت انگلیس است تصفیه یافت - پنانکه در بند سیاسی گذشته اشاره کردیم مجلس حکمیت منعقده پاریس که مرکب از ارکان اربعه بود بنجمین را بنا بخواهش دولت روس و آتریش مجار از دولت اوستریا منتخب نمودند دولت روس یکمیلیان منات خسارت صیادانرا متقبل شده که حالا پردازد و این اول شرط دولت انگلیس بود و نیز متقبل گردید که من بعد دسته کشتیهای بالتیک مطلق متعرض هیچ قسم کشتیهای تجارتي و جنکی و غیره دولت انگلیس نکردند و در هیچ موقع حق جسارت و کنج کاوی نداشته باشند و این دویمین شرط و خواهش انگلیس بود و دولت روس از قبل (جنرال روجستیف نسکی) فرمانده کشتیهای بالتیک و سایر افسران و سرتیهای بحری روس که جسارت ورزیده اند و بیرامون این امر شنیعه و حرق کشتیها و غرق بنده کان خدا شده اند معذرت نام و پوزش تمام از دولت بریتانیای عظمای خواسته است و این سیمین شرط دولت انگلیس بود - چهارم شرط تحقیق کردن و بمجازات رسیدن مرتکبین است حال در استنطاق هستند اگر چه در صورتیکه سه شرط فیصله یافته است - چهارم شرط اهمیت ندارد

قوت این جنگ بزرگ و قدرت این نبرد سترک دولتین متحارین ژاپون و روس پول است و بیک اندازه رسیده و هر دورا کامیاب کرده است و میتوان جنگیهای حال و آتیه را به نظر دقت و اطمینان کامل نگرست و دامن استقبال اورا بلند فرض کرد چنانچه دولت ژاپون در داخله خود بقرض دویمست - پهل دو ملیان ۲۴۲۰۰۰۰ تن در ظرف هفت روز در سود صد سه ربع نائل گردید اگر چه دولتین آمریکا و انگلیس - ششم هوس باز و دست طمع دراز دارند و در گفتگو هستند که باید دولت ژاپون محض بروز و دادویکانکی از ما هم ظهور همدردی بیند و ما بجز آنکه پولی بقرض بدهیم

خدمتی دیگر نتوانیم بکنیم لیکن دولت ژاپون بتدبیر عملی آخر آنها را راضی خواهد کرد اما روس پنجاه ملیان زیر بار قرض رفته که دولت فرانسه سی ملیان و دولت آلمان بیست ملیان مساعدت کردند و تسعیر قرض روس در صدی پنج سودش تعلق گرفت که در ظرف پنج سال بدولتین فرانسه و آلمان پردازد ازین استقراض کردن روسها آلمانیها کمال بشاشت را دارند و نقشه سیاسی خود را در آیه خوش آب ورنک مشاهده می نمایند و بر قوای خیالی که سایرین هم هر ساعتی میبافند میافزایند حال باید اتحاد ملت و شوکت دولت ژاپون را با اتفاق ملت و عظمت دولت روس مقایسه کرد و در میزان خرد سنجید و از همین یک فقره قرض پی بسایر مقامات یکانکی و دوات و شاه و وطن پرستی ژاپونیان برد

عبور و مرور دسته کشتیهای بالتیک روس از قنال سویس اینک ظنون سیاسی را بخود معطوف و خاطر حکومت مصری و مدیر کمپانی قنال و جمله مستحفظین را سخت مرعوب داشته و همه بانتظارند که این مهمان پر زحمت بل سراسر مشقه بسلامتی ازین راه تنگ خوفناک و معبر نزدیک خطرناک بگذرد رئیس کمپانی قنال (موسیو الکوونت دی سیریون) از اسماعیلیه حرکت بطرف (پورت سعید) نموده و نقطه به نقطه محارس و پاسبان گذاشته و از طرف محافظ مصری سواره و پیاده از ابتداء دهنه قنال که سویس است در هر جا تعیین نموده است تمامی صیادان بحری دریای سفید و دریای قرمز را امر بخوارج شدن نموده اند که هنگام عبور دسته کشتیهای بالتیک متفرقه دیده نشود دولت روس (از جناب لورد کرومر) محافظ مصر راهنمایی خواستگار شده است که براهنائی او کشتیهای موصوف عبور نمایند (جناب محافظ) اجابت کرده و بر رئیس قنال محول کرده اند بقراین شخصی از فرانسه ها منتخب شده است در حقیقت عبور دسته کشتیهای جنکی بالتیک روس از این معبر تنگ قنال سویس خیلی اسباب پریشانی خاطرها و آشفته کی احوالهاست و از نادر کاتی که شده است معلوم میشود

انکلیسان هرگز راضی نمی شوند در این خط بدسته کشتیهای بالتیک روس خسارتی عاید گردد و اگر حادثه روی دهد علاوه بر آنکه حکومت مصری و کمپانی قنال مسئول واقع میشوند دست آویز بزرگی بجهت روسیان فراهم میآید و انحصار طراحي که تا حال از برای دامن زدن آتش حرب عمومی ریخته اند و کامیاب شده اند این مقدمه بطریق اکمل خواهشهای دیوین روسیان را خواهد بر آورد آنست که انکلیسان که از اول مدیرین عالم تسلیم شده اند و از رموز سیاسی و نکات پولتیکی حال بخوبی آگاهند همه گونه اقدامات در محافظت دسته کشتیهای بالتیک در اینجا دارند و ذره در محاربت او برا و بجرا کوناهی و فروکذاری نمی نمایند چرا که در این موسم اغلب سواحین و اوروپاویان بشکامی متفرقه و رنگهای مختلفه بر حسب عادت و رسوم همه ساله بمصر آمده و میآیند و بقرار معلوم از جنس ژاپونی آدم خیلی دیده شده است که بعنوان سیر و تفرج بقطر مصر خود را نازل کرده اند و محقق است در این بلاد حره کسی حق پرشش ورود کسرا ندارد غیرت و حمیت و سرسپاری و جان نثاری ملت ژاپون و بی باکی و فدا کاری انها هم مسلم جهانیان شده است این است در این وهله عبور کشتی خیلی اسباب توهم انکلیسانست و بر عکس روسها خیلی انتظار حادثه دارند که آمال گذشته ها برآید

(* عفا الله عما سلف *)

بزدان شاهد حال و ابزد کواہ بر صدق مقالست کمال انفعال را از آداب دانی و قاعده شناسی اغلب هوا خواهان معارف که تبریک کرده اند بانضمام تشکرت صمیمانه داریم و مکرر معذرت و پوزش خواسته ایم و آنکه از اندراج بعضی مکاتبات که حاوی تبریک و تمهیت بوده است غمض عین شده ول بواسطه عدم کنجایش - «چهره نما» و دویم بعضی عناوین و برخی مضا مینرا که نظر بطینت پاک و فطرت نابناک بما نسبت داده اند و ذره پامنا نسبت سبب بوده

« نه هر خیار کز کل پروید کل است * نه هر چیز در خم
بجوشد مل است » اسروز بقراط . و سقراط . دوروز بعد
پوزر چهر . و لقمان . خطاب کردن ما خود بعد بافتضای آب
و هوای فطر مصر مدعی « اار بکم الاطی فاخذہ اللہ نکال
الآخرة والاولی » العیاذ باللہ خواهیم شد لذا محض
ترضیه و تسلیه خاطر معارف ذخایر هواخوهان حقیقت دان
دوائر مطبوعات آنچه این قبل مکاتبات پرسد تادرجه که
سبب غلو نفس نباشد مندرج و از بقیه او معذرت مالا نهایت
میخواهیم و از اندراج مکاتبات گذشته پوزش میطلبیم

مکتوب جگرگداز از بخارا

جناب . . . مدیر چهره نما از مهر فندمکتوبی
رسید عنوانش سرگذشت و حکایت بان کله و شکایت ازان
مدیر پاک ضمیر بود بنده بهیچ ارزنده در کمال حرمان
مبادرت ورزیدم و در مقام استفسار بر آمدم آیا ملجا و پناه
و مرجع و مناص ما امروز غیر از صفحات جراید ملی چند
دیگری هست که عقده دردهای بی درمان خود را بوسایل
جراید بکشائیم و خفه نشویم و دق نکنیم و روزنامه هجرت
ما بجز دو روزنامه خارجه است زمانی جراید داخله عذر
شان این بود که نمیتوانیم حق بنویسیم یا حال که حق
آشکار شده و شخصی ملت پرست دولت ترقی ده مثل شخص
عین الدوله صدر اعظم متکفل امور جمهور گردیده بازم
درنگ و تانی یا عادت کرده اند البته باید مدیر چهره نما
نویسنده مهر فندمکتوب را بدلیل روشن ساکت بفرماید

اما شمه از حال فلاکت و مصیبت اشتغال ما بخواهید روزی
داریم چون نامه عاصیان و بخت شرقیان سیاه و حالتي بمثل
روز کار فلک زده کان تباہ دعوای شرق اقصا رقی باقی
نکنداشته (حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد * علی
الخصوص که پیرایه بر او بستند) زمانیکه جنگ بنود
در ترکستان کسی یاری نفس کشیدن نداشت که صحبت

از ترقی و تنزل و ظلم و اعتساف و جور و اجحاف و خفت و پیداد
و کثرت استبداد اینجارا بکنند فوری راه سپیدارایا باید
بگیرد و در انجا پس از ورود نفس آخر را بکشد این اوقات
که هیچ کسی صاحب مکاتبات و دفاتر تجارتي و . .
نیست عمده ناخوشی و درد در اینجا است که ما ملت چون
گله شبان بجناب رفته هستیم و باطراف و اکناف عالم
پراکنده شده ایم و اگر در جایی گرفتار گریه شدیم سک بی
انصاف خودش شریک گریه میشود (تو خود حدیث مفصل
بخوان ازین نجل) اقا محمد اسماعیل عطاء الله اف تاجر
ما زنده رانی مشهور بکشوری منخاص بهیر که در کلات
صوری و معنوی ارسته و از هر جهت پیراسته بود و سالهاست
تجارخانه در بخارا داشت غفلت از طرف حکومت دولت روس
اورا گرفتند و بقدر قوه تصور بلکه زیادت تر اورا باخت
اخراجش کردند آشنایان که یاری دم زدن و صحبت داشتند
در این مواقع ندارند هر یک حال بخیال خود چیزی گویند
که سپیدارایا رفت ایران رفت کجا رفت چه شد یکی گویند
خدا رحمتش کند و . . چه درد سر دم که باین شخص
مخوم با علاقه تجارتي و دادوستد داشتند و آبرو دار چه
گردند و یکباره فراش جمعیت و اوضاع اورا درهم و برهم
پیچیدند جهت همان شرکت سک با کرک است

چهره نما

اولا جواب باصواب امثال اندوات مقدس و رفیق
مهر فندی در ضمن اعتذار عمومی « عفا الله عما سلف » در
صورت قبول فرمودن کفنه شد و ثانیاً در خصوص برخی
تخطیبات کستخانه و تعدیات بی باکانه نسبت بمسلمانان عموماً
و ایرانیان خصوصاً که ناشی از تعصب و حشیانه روسیاست
و هم از غفلت و بی موالاتی نماینده کان ایرانست برای زیستن
و بیچته گریستن این کار « عمر نوح و چشم یعقوب فکر * از
خدا خواهیم که گریم زار زار » مقصود ما از احداث مقاله
(سلوک ملوک اجانب بارعابای مختلف المذاهب) همانا

مخض آگاهی و تنبیه و تنبیه بعضی مسلمانان جاهل که در ایران در مدامن و راحتی غنوده اند بود که چشم انصاف و مردمی بکستانند و نظر اسف اثر بسوی برادران دینی و اخوان ملی خود ساکنین هند وستان و فقازنه و الجزایر بنایند و اگر غیرت و حمیت و عصیت دارند بجای اشک خون بگریند و این نعمت سر امر رحمت دولت عالیله ایران را که خدایش تاقیام قیامت پاینده و سلطنته قاهره اشرا فرزانده بدارد دو دسته بگیرند و این قسم ردای بیغیرتیرا یکشاخ بردوش و حلقه پی تعبیرا یکباره برکوش نکنند و کاهکاهی محض اعمال نامشروع که دستشان از اجرائش کونا هست ابراز نفرت و اظهار از جارا از دولتی که آیت رحمت و شاهد نعمت است نه نمایند (برادران تودر چنک کرک خونخواره * تودور دور گرفتار صید و نظاره) از خدا توفیق سعادت و یاوروی خواهانیم که بقیه مقاله سلوک ملوک اجانب را با تمام برسانیم و برادران را از کید دشمنان اسلام و اسلامیان بیا کاهانیم

* مکتوب از طهران *

جناب مدیر و دبیر خوش تحریر و تقریر جریده مبارکه چهره نما (ای وقت تو خوش که وقت مارا کردی خوش) بزیارت جریده فریده چهره نما که بدون سخن سازی و تملق طرازی چهره خورشید را زر افشانی کند و جسته اهل فضل را جانی بخشد نائل کشتم و پای فخر و مباحات بر فرق فرقدان هشتم چکونه بازبان بی زبانی سپاس گذارم و دست ستایش از آستین بپوش بر آرم آفرین بر همت و غیرت عالی شما باد که ترک یار و دیار کفتمید

و برای هشیاری ابناء وطن و غمخواری وطن عزیزتان رشته الفت از همه گسیختید خدایت درپا داشت این خدمت بزرگ از گزند حوادث مصون دارد و در هر وقت نصرت فرماید بهترین چیز بکند امر و ملت ایران را وسیله بیداری و سبب هوشیاریست و علت غائی تمدن و تربیت و اس اساس ترقی و انسانیت است قلم حره اربابان بیغرض و مرض جرائد است شهد الله این نهال نورس بپوش بوستان مصفاي علم و ادبیت و غنچه نازه شکفته گلستان فضل و مدنیت از غبار غرض پاک و از کدر هوس تابناک است و بمذاق وطن پرستان تمدن شعار از عسل شیرین تر و بمشام دولتخواهان از عنبر خوش بو تر معنی ملت خواهی و وطن شناسی از صفحاش آشکار و پاک طینت مدیرش از مندر جانش پدیدار هر چه خواننده در او بچشم حق شناسی بنکرد ذره اغراض شخصی از بیاناتش نه بیند باید بر این نامه وان یکاد خواند و آیت الکرسی دمید که ابدی بدین حالت پاک و منزله بماند که بدون ترس و هراس سخن از قوه قلب و اطمینان کامل براند حقا مقالات عارفانه ورشته درر مشابه اش امضا . ج . ما از اند راج بقیه اش که راجع بخودمانست عذر میخواستیم



﴿ مکتوب انجمن ناصري زرتشتيان کرمان ﴾

جناب محترم مدير روشن ضمير چهره نما
با کمال خلوص حقيقي و ارادت آمين عرضه مي داريم
منحست تهنيت و تبريك و فرخنده باداي جاني خود را
از افتتاح جريده مبارکه چهره نما که چهره مهر
آرايش پيرايه بند آيين دادگري و غيرت خامه
کمشايش زيب سخن پروري و رهبريست مشهود
داشته از ايزد پاك باروان تابناک چنان در خواست

داريم که آن آفتاب عالمتاب را از زوال مصون
و در ظل حمايت احديت خود مامون بدارد تايقايان
کور و کشدگان وادي ديچور از ذلت و ضلالت
بفردوس عزت و هدايت راه يا بند و بکامراني
و پيروزي نخستين روز برسند جريده مقدسه
چهره نما شماره ششم زيارت گرديد و از مندرجاتش
که ۰۰ از بقيه معذرت است

سپاسر انان انجمن ناصري زرتشتيان کرمان



﴿ حضرت والا امير معظم عباس پاشا خديو مصر ﴾

(بشرح توصيفشان بموقع مي پردازيم)

* محسوسات توکیو پای تخت دولت ژاپون *

کتبیکه همه ساله در پای تخت و مرکز سلطنتی دولت ژاپون بطبع میرسد سه هزار جلد است و هر سال تجدید میشود یعنی کتاب تازه چاپ میشود نه آنکه همان کتب برنک و شکل دیگر چاپ شود و کتب مطبوعه موجوده کتابخانه دولتی امروز ژاپون بالغ بر سیصد هزار جلد است و مرسوم چنین است هر کس در هر فنی کتاب تألیف و تصنیف کند و بطبع برساند یک جلد بکتابخانه دولتی تقدیم میکنند در شهر توکیو سیصد باب مدارس رشدیه و علمیه و فنیه و صناعیه و حریره دارد و یک هزار دو بیست نفر مصنف و مؤلف دارد (افسوس از جهالت امت و وحشت ملت) در تمام ایران یک شخص متبحر و عالم بفنون مکاتب جدیده و واقف بر موزعلوم مدارس ابتدائیه هست که بتصدیق اغلب معلمین و مدرسین مدارس و مکاتب عالیه بلاد عثمانیه و قطر مصر و مالک قفقاز و روسیه و جودش را خداوند بجهت کارخانه آدم سازی آفریده و در قطار اولین معلمین دانسته توانای دنیا بحسابست و کتب نافعه تا حال باشداید احوال و پریشانی خیال که نسبت بوجود مبارکش از خائنان دین و دولت و دشمنان وطن و ملت رسیده طبع نموده مثل (هدایه التعلیم) و (هدایه التعلیم) و (نهایه التعلیم) و (کفایه التعلیم و ۰۰) و افتخار اخلاف ایرانیانرا باحداث اساس یکباب مدرسه رشدیه در پای تخت ایران طهران ابدی حاصل فرموده) در پای تخت ژاپون هزار روزنامه چاپ میشود که نصفش یومیه است و آن یومیه برد و قسم است صبحانه و عصرانه جرایدی که صبح چاپ و نشر میشود رنگ اوراقش قرمز است جرایدی که عصر چاپ میشود رنگش زرد است نصف دیگر مجله است که هفته گوی و پانزده روزی و ماهی یکبار چاپ میشود و جمله این جراید تعدادشان یکصد و سی هزار نسخه است که در یک شهر طبع و توزیع میشود (در بیخ افسوس که ما ملت زنده ایم بحقیقت مرده و مرده ایم بطبیعت جنبیده عده جراید ما و تعداد نسخ آنها روشن باز روزنامه

(نوروز) مینالد و کفتکوی صفا خانه (الاسلام) میزارد و (مظفری) فغان دارد لچک زندهای زارعین و فلاحین و ده نشینان این قوم بر سر مردهای متمولین و متشخصین ماتی باد که آروغ تبختر و تکبرشان عالمی را بعفونت انداخته و در ادای جزئی وجه ناقابل جان بهزرائیل میدهند و این وجهی که ناموس و شریعت و وطن و دینشانرا محارست میکنند نمیدهند (جاهل شدن چه آسان * ژاپون شدن چه مشکل) قدیمتر جراید پای تخت ژاپون روزنامه (مینیتین شی Meinitchi و روزنامه یانشی) ianchi میباشد که این دو روزنامه مقدم بر سایر جراید ژاپون احداث شده است این دو روزنامه یومیه یکی سی دو ۳۲۰۰۰ هزار و یکی ۲۵۰۰۰ هزار هر روز چاپ میکنند در سه سال قبل حریتی بطرف مطبعه (مینیتین شی) دست داد با آنکه قابل نبود یک میان هفتصد و پنجاه هزار لیره ملت ژاپون اعانه بدو فرستادند و استمداد کردند (قدیم ترین جراید حالیه ما روزنامه مقدس (خبل المین) و کرامی روزنامه (حکمت) است که هر یک دوازده سالت برپاست کدام یک از ملت ایرانی سکنه خارجه و داخله یکقاز و دیناری باین دو جریده ملی اعانت کردند و در مخاطر انبیکه نزدیک بانعدام آنها بود اعانه کردند هر کس همراهی کرده صفحات چهره نما بچپته انتشارش باز است (با جهل کجا توان ژاپون شد) کارخانجات ریسمان تایی توکیو پای تخت ژاپون سی شش کرور چهار صد و شصت یک ۱۸۶۱۰۰۰ هزار (لیور) بسته ریسمان همه ساله خارج میکنند خط آهن شهری ژاپون که روزانه شانزده ساعت کار میکنند عایدی روزانه اش از تقری پول ایران پنج شاهی و ده شاهی هفت هزار دو بیست تومان کثریست



- تشکر از معارف پروری -

« شاهزاده معظم صدر اعظم »

(از شماره ۱۳)

در وصول تذکره سامی خواستم باستان حضرت
صدارت که بی تعارف میتوان گفت که يك صفحه جدیدی
از برای پیشرفت و سعادت هیئت ملیه ایران بشرف وجود
شان تاریخ دنیا باز کرده است در کله باز کنم و باشکایت
دمساز شوم که ای صدر جهان و پادشاه خوبان آخر
نبود که ما وجود نورا غره سعادت کفتم و سلخ جهالت
در غره تاریکی چرا و در بدری تاریکی از چه رو در فر
ودین ماهی که دیگران را سبزه بساط است و بر شکوفه
قماط ماجرا باید چون کهن سالان باغ در ماه برك ریزان
از وزش بادهای محنت انکیز زرد روی و پریشان باشم
قدغن فرمائید بسنک جفا بعد ازین بال بلبل نشکنند و راه
نسیم سحری در دامان کل نه بندند آخر هزار سال که خزان
نمیشود ای آفریننده اردی و تیر ماهم آدمیم باید بوی
گل بشنویم و از نغمات دلغریب بلبل گوش خودمانرا به
نصیبه لذت دولت مند کنیم عمر این آرزو کوتاه بود و اختر
سعادت همراه کفتمی که تیر آه رفیقان دل آگاه قبل
از وقت کار خود را کرده بودند پست طهران خط یکی
از دوستان معارف را آورد سواد دستخط مبارک حضرت
اسعد والا عین الدوله صدر اعظم را ملفوف داشت که
بآزادیه (چهره نما) در مراتب مراجع چهره نمائی
فرموده بودند

سواد دستخط حضرت والا صدر اعظم

جناب فضایل و محمد نصاب اقا بهزا حسن مدیر مدرسه
رشدیه زید افضاله شرحی که در باب روزنامه
چهره نما نوشته بودید ملاحظه شد چون جناب بعالمرا بیغرض

و صحیح القول میدانم در این مسئله مهم تعهد جناب بعالمرا
تصدیق میکنم حالا که نوشته اید روزنامه مذکور از
تکالیف خودش خارج نمی شود البته در این صورت
و رودش بچاک ایران ضرری ندارد بدیهی است که
هر قدر وسایل دانش و معرفت منتشر شود ثمراتش برای
دولت و ملت بیشتر است پس بر حسب تعهد شما سفارش
لازم شد روزنامه را از توقیف خارج و ورود بچاک ایران
بدون ممانعت قبول نمایند * سلطان عبدالمجید *
میدانید شما از برای يك آدمی مثل من چه قدر این
خبر مایه خوشوقتی و امیدوار است بلکه کسی که سه سال
وزرای کبار گزیده اند و وعده های دروغ داده اند
و تلفرات جعلی کرده اند در مسئله خبل المتین یقین است
از وصول يك چنین نعمتی خیلی مسرور و مهتر میشود و باید
باندازه خودش در قیام شکر نعمت کوتاهی نکند ولی نظر
بکی مقدار شخصی خردم در مقام تشکر خصوصی بواسطه
ضعف و عجز باین شعر که از بچه گی در خاطر مانده است
اکتفا کردم (من بی مایه که باشم که خریدار تو باشم *
حیف باشد که تو بار من و من بار تو باشم) چرا عاشقانه
صحت میکنیم رفقا بدانند در صحنه نیاتر عالم وقتی که پرده
احتیاج بالا رفت هر چه انطرف پرده است صرف یک صورتی
است دوسنانه (در راه عشق فرق غنی و فقیر چیست)
میخواهم این همسایه من که سالهاست با من است آدم شود
نمی شود بلکه گاه گاهی میکوبد که نوچرا خرغنی شوی به
بینید در واقع او هم حق دارد ولی يك تشکر عمومی که باز
شکل ادای او بر ذمیه اهل قلم است و ارباب معارف و حکم
در مقابل نعمتهائی که از برکات وجود این وزیر معالی
ضمیر است لازم است و بر اهل اطلاع معلوم است که شکر
هر نعمتی باندازه همان نعمت است و از برای ادای شکران
هر نعمتی بزرگ بر ذمیه اهل قلم است که کلماتی پیدا کنند
که بتواند مقابله بزرگی آن نعمت کنند امروز هر کس
بجال ملت ایران و قوف نامه داشته باشد درجه احتیاج این
ملت را بعلم و آزادی قلم و رواج اوراقی که وسیله پیشرفت

وباز شدن دماغ مردم باشد میدانند تاچه درجه است
 من بدون هیچ خوف و ترديد ميگويم و اين عرض
 من راجع بشخص سلطنت و هيئت حاليه حكومت است امروز
 هر روزي كه بر عليه روزنامه جات آزاد و مكاتب جديد
 و معارف باشد بدون هیچ شبهه دزدامت و دشمن دولت
 ايران چرا خبلي بد موقعي داريم يا بايد مغلوب بشويم و مغلوب
 يا بايد قالب بشويم و غالب يا بايد محصور بشويم و محفوظ
 يقين است از اشكال ثلاثة شكل ثانوي خبلي شيرين است
 بدون علم ممكن نيست بدون اطلاع صورت نمي بندد بدون
 شبهه بفتون و قواعد جنگ و صلح بايد بعرف امروزيه
 آشنا شويم نه شويم چه ميشود مغلوب و مغلوب ميشويم بلا
 شك بايد آدم شد خبلي دير شده است هر كس دير از خواب
 بر خيزد (پيغمبر) فرمود روزي ندارد ما خبلي دير
 بيدار شده ايم آفتاب پهن شده است از اين جازود
 بگذريم كه رفقا دلتك ميشوند و بناي جفك ميكذارند
 محقق اگر قلم آزاد شد و اوراق روزنامه جات در
 نوشتن حقيقت مواخذه نشدند بزودي دوست از دشمن
 پيدا ميشود و هوشيار سرد ناهوشمند رابي آبرو ميكند
 چون ممكن نيست بگوئيم خدا مارا يكسره خر خالق کرده
 است و قوه تميز كه اسباب پيشرفت ماست در ميان
 مانكداشته است بلا شبهه در ميان يك هيئت و جمعيت عقلا
 و حكما و علماء هر سه هستند ولي طايفه بواسطه خوف در مقابل
 يك هيكل جهالت ساكت هستند و يك فرقه چون قانون
 صحيجي در ميان نيست از همه عوام يحفظ مقام قناعت
 دارند و الا قدرتي كارها صاف بشود انوقت مي فهميم كه
 هيچ احتياج بفرنك و فرنگي نداريم (والير) هم داريم كارهاي
 خوب هم ميتوانيم بكنيم و زراي سابق هر كدام كه
 بودند پادشاه روزنامه جات و مكاتب دشمن نشان ميدادند
 چرا بواسطه سوء اعمال و گزري رفتار يقين است دزد
 از داروغه خوشش نمي آيد پس وزير دولت خواه انگسي
 است كه پادشاه بگويد كه بايد قدر آزادي قهر اشناخت
 و قافيه را در حال تنگي نباخت اين مرد هر كس كه باشد

مؤيد سعادت دولت و مشيد اركان سلطنت است و درستي
 و درستكاري او از همين كلمه معلوم است چرا كه طلاي
 خالص از محك روي درهم نميكشد و سيم ناسره بكنشاه
 سياه روي محك را از خود دور ميخواهد پس در اين
 صورت يقين است كه بر ذمه انمايي كه تفریق خوب
 از بد کرده اند و تير از رد شكران نعمت و تذكره مكارم
 اخلاق و محاسن اطوار اين قسم و زرا لازم است (من لم
 يشكر الناس لم يشكر الله) بايد از تقديمه شكران كوتاهي
 نشود كه مستلزم بقاي عمر است اگر حرفي هست در عين
 جاست كه اين نعمتي كه تا بحال او را دارا نبوده ايم
 و پايه و قيمت او را نمي شناسيم چگونه شكر او را بكناريم
 يعني چه كلمه پيدا كنيم كه در اين موقع شايدان صرف
 باشد رفقاي من و ادبائي كه معني آزادي قلم را ميدانند
 بدانند كه من هر چه فكر كردم كلمه در مقابل اين نعمت
 بنوع سلامت كه بتواند مقابله كند با بزرگي اين نعمت
 پيدا نكردم و با وجود حسن ظن دوستان كه من اعتراف
 بعجز ميكند لذا عين دستخط مبارك را در اين جا درج كردم
 تا اينكه هيئت مجموعه ايراني هر كس باندازه فكر و فهم
 خود كلمه از براي شكران نعمت اين قسم منعم پيدا كند
 و در خواست ميكند از هموطنان نجيب و عزيز خودم كه
 هر كدام بهر پايه و مابه كه هستند حتى اطفال مكاتب
 باندازه كه فهم بزرگي نعمت را ميكند تذكره شكراني
 براي ما بفرستند تا از براي انتباه اخلاف بتدريج اين
 نشكرات را زيب صفحات ايام قرار بداريم كه رفقاي
 ديگر هم بخيال خدمت بيفتند نه در صدد خيانت

خوب حالا قدرتي خودماني صحبت کرده باشيم شما هم از من
 گله داريد كه بايد بچهره نما تيريك و تقریض نوشته
 باشم در صورت يك نسبت خاص كوتاهي بلکه ظلم کرده ام
 در حق شما حق داريد در عين شكايه ولي نميدانيد از
 ناهمواري راه پاي قلم آبله کرده است شما به بينيد رفقا يه
 كم هوش من كوش مرا آسوده ميكذارند كه دماغ
 من كار كند با وجود اينها دست از كار نكشيده ام ولي

گاهگاهی بعضی موانع ظهور میکنند که آب چشم قلم خشک میشود ندیده آید و قتیکه در مصیبتی تأثر به منتها برسد اشک چشم ماتم زده خشک میشود بعضی نادانی رفقا خیلی آدم را از کار عقب میکندارد ولی چون وجود از برای همین کار آماده یا خلق شده است بجز اینکه از یکطرف فی الجمله روشنائی دیده میشود جان رفته به تن میآید و باال ناطقه منادی شهرستان بدن میشود (قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین) و قتیکه دستخط والای صدارت پناهی زیارت شد مراقوه شوقیه اشاره کرد که باوجود این مرپی که بمنزلیه خورشید است مانع عملی چرا و اظهار تنبلی بچه دلیل دیدم بدنمیکوید قلم را برداشتم بشما تقریضی بنویسم یا تبریکی بکنم محفظه خاطر چون فراغت از یک مشغله بزرگ قلمی کرده بود خستکی نشان میداد دنبالش نکردم نظماً بشما تبریک نوشتم (۴ بیمودم ارساف است وار درد * چه خود خواهشگری خوش بایدت خورد) (گفتگو آهین درویشی بنود) بکلام همین جمله مختصر خاتمه میدهم

* بلوچستان *

وقایع نکار چهره نما مینکارد چندیست امراض سه گانه آبله و سیاه سرفه و سرخک سر بکریان کودکان خوردسال و کلان در آورده ناکنون اطفالی که در خود شهر کرمان از اندومرض نخستین در گذشته با خرت پیوسته اند عددشان از پنجهزار نفر گذشته است هوای کرمان روزها گاهی خفه و غبار آلود و گاهی روشن و شبها خنک پریروز از جانب حکومت واز سوے قونسلخانه

انکلیس تا بندر عباس برای استقبال ورا هنائی جمعیت کمسیون که از جانب انکلیس مامورند حرکت کردند اجزاء کمسیون سه نفر انکلیس و دو نفر پارسی همه دستانی میباشند رونق قالی کرمانی چنان کاسته که کسی برانها ننکرده و قالی که ذرعی هفت تومان سلف میخریدند ذرعی دو تومان بالتماس نخرند ارزاق واجناس فراوان و ماده ارزانی اینهمه بپیر و نقی قالیست دیگر بعلاوه قونسلخانه انکلیس نیز ششماه میشود قونسلخانه روس در کرمان کشوده شده خداوند این خاک پاک و رعیت مظلوم بی تجربه غریب پرست ایران مینوشان را از شر این دور قیب معیب محفوظ و محروس فرمایاد ایالت کرمان با حضرت والا رکن الدوله است ضباط در بلوکات کرمان آتش بیدادی افروخته و رعیترا که بیخ و بن دوات اند از ریشه سوخته طرق در کمال ناایمنی و مال التجاره کلی بسرقت رفته با وجود معین بودن اسم و رسم و محل دزد احقاقی نشده امیداست بتوجهات مخصوصه حضرت والا ایالت کبری عما قریب تمامی مفاسد داخله و خوارجیه رفع شود عمده هیاهوے ناخوشی سد فریادرسی بود بعدها که خلق آسوده شده اند البته ایالت کبری توجهات کونا کون

در حق رعایا که فرزندان مجازی پادشاه رعیت خواهند میفرمایند و ما هم یکان یکان بعرض میرسانیم

چهره نما

غیر از آنکه وقایع نکار ما که طرف وثوق نامه است از اغتشاش نواحی بلوچستان مینویسد از دوسه نفر موثقین خطوط شکایت رسیده است و از سرقت و غفات و ۰۰ توضیحا نوشته اند ما چگونه نظر بوظیفه مقدسه روزنامه نکاری و وجدان خود چشم پوشی کنیم و ابناء وطن کرام را بگذاریم در دست بعضی خدا نشناسان که ننگ دولت و ملت و باعث انهدام اساس راحت رعیت هستند نیم بسمل جان بد هند باز حجاب انفعال هایل پرده در بست لیکن یعنی ناچند مطالب در میان نکذا شتن شکم ۰۰ و پیشکار و فراشبانی و ۰۰ از آب چشم بیوه و یتیم و خون ابناء وطن که ودایع آله و بیجای فرزندان شاهنشاه بحسابند انباشتن هرگز روان باشد اگر سلسله تقاب امتداد داشته باشد و هر جا باز صحبت یغا کردن و تاراج نمودن رعیت مظلوم بیگناه و شریک دزد و رفیق قافله بودن باشند هرگز به ترقیات کونا کون که حالیه توجه اولیای دولت بد و معطوف است نخواهیم نائل شد اعضای اداره چهره نما ذره چشم پوشی نخواهند کرد و مومو کارها را خواهند نکاشت و اعمال مضره ۰۰۰ لجام عبرت رسر زده بمیدانش میکشند و یکان یکان بعرض اولیای دولت ابد مدت میرسانند که کسفه اند «ترحم بر پلنگ یزدندان * متمکاری بود بر کو سفندان»

مکتوب از مسکو

مدیر ۰۰ چهره نما ۰۰ در شماره یازده شرح بهسوطی در باب نظافت کوچه ها و رفع کثافت آب حمامهای ایران ذکر نموده بودند علم الله و شهدا خوب نکته

بود اگر بر ذهن اهالی وطن مقدس مؤثر واقع شود کل وطن دوستی و ملت پرستی را نموده اند و حکم حضرت ختی ماب را جاری داشته اند با این اقوال روزنامه مقدسه (چهره نما) این بنده نیز شریک القول هستم که هرگاه اهالی ایران در هر بلدی از بلاد باداره بلدی به موجب حکم دیوان اعلا مقرر شوند که هر ماهی یا هر سالی مبلغی بصندوق نظمیه پردازند و تمام کوچه و بازارها را در کمال نظافت نگاه دارند اولاً به بعضی امراضی بد گرفتار نخواهند شد و ثانیاً شبهای تاریک در آنکوچه و معبرهای تنگ و باریک پراز کل چراغ از اداره بلدی به بگذارند که برای عبور و مرور خودشان سهل و آسانست چه عیب دارد که در آن شبها بالباس فاخری که در بر دارند در میان آن کلهها غوطه میخورند و بعد برخواسته زبان بفحش و ناسزا گفتن کشوده باز حمت زیاد خودشانرا یا بخانه یا بجل مقصود میرسانند در صورتیکه چراغ بوده باشد ابد باین زحمات و صدمات مبتلا نخواهند شد هزارها بخارج بیپوده صرف میکنند و جزئی مبلغی که محض راحتی خودشانست در دادن ان مضایقه دارند و با این کسافات کوچه ها و حمامها باز تمنا دارند که ناخوشی نیاید و وقتیکه گرفتار مرض شدند انوقت بنای استغاثه نمودن و نذر و نیاز کردنرا میکذارند و ورد زبانشان این است که خداوند عالم بواسطه کناه کثیره مردم بلا نازل نموده الیاذالله ابد این مطلبرا نسبت بذات اقدس آلهی ندهند و از کسافات خود و از ان میکروبیهای شدید بدهند پس چرا بسیار بلاد اروپا بطور امراض سراپت نمیکند محض لطانت خودشان و حفظ الصحه و از بودن بلدی است که همیشه مواظب هستند و گاهی که اینطور امراضی متفرقه واقع میشود فی الفور در صدد مرتفع ساختن او برآمده از خودشان دور میسازند و مثل وطن پاک ما هزاران برادران وطنی تلف نمی شوند در این صورت باید بدانند پیغمبر تمامی فرمایشاتش صحیح است و در تمام احادیث و اخبار نقل نظافت و طهارت را فرموده اند که مدیر چهره نما اشاره فرموده اند انضا - محمد حسین

عراق

خبر نکار چهره نما مینویسد حالات این صفحات
 بحمد الله خوبست ولي مردم بسیار بیدماغ و بازارها کساد
 در چندی قبل بامر اعلحضرت سلطان عثمانی شش
 (طابور) فوج سرباز عثمانی روانه جنگ ابن صباح شدند
 اینک باز در کار ردیف گرفتن هستند که بجهت (کوت)
 بفرستند چون بین عشایر حرب جنگ است در هفته گذشته
 دو (مرکب) کشتی مملو از سرباز بود روانه (صکوت)
 شدند و سه یوم قبل هم دو فوج روانه شد (شب آستان)
 است تاجه زاید سحر) راه ایران که قدغن شده و زوار
 بعتبات نیایند بازار ایچاهم بامدن زوار بود این را باید
 از حسن تدبیر حضرت والا عین الدوله صدر اعظم دانست
 امید وازیم این قدغن اقل پنج سال طول داشته باشد
 نمیدانید و نمیدانند مردم که چه صدمات تاین زوار بیچاره
 میرسید از به نکارنده برای العین مشاهده کرده ام ارسال
 میدارم تا بوسیله روزنامه ملی (چهره نما) عامه مسبوق
 شوند ولی عمده اذیت و آزار زوار از خوش نفسی و بد
 نفسی ایلچی و قونسل است حالیه که جناب (ممتحن)
 السلطنه) تشریف دارند بی کفایتی از ایشان دیده نشده
 و بسیار شخص قابل شاه پرست دولتخواهند جناب (مشاور
 الملك) ایلچی سابق که بکلی احترام دولت و ملت ایران را
 پامال نفس پرستی نمود امید است که جناب (ممتحن السلطنه)
 خراب کاریهای او را آباد نمایند قانون تازه که در بغداد
 حکم با جرایش آمده مفتش روزنامه جات است و اسباب
 ضرر و کلای روزنامه است به مردم این ولایت و اشخاصی
 که باروز ناجات شراکت دارند اگر یک نمره روزنامه
 بانها نرسد باین بهانه میخواهند بکلی پول بروزنامه
 ندهند بهر جهت روزنامه جات از هر زبان باید مجلس معارف
 قرائت کند

اسبابه چون کوب بخت اسلام و اسلامیا را ایام صعود
 و اختر برج طالع محمد یازرا زمان فرخنده گی و سعود است
 هر روزه ستاره شرف از بامی طالع و لب خنده صبح سعادت
 از انقی لامع میگردد کاه رسته (حبل المتین) عروة الوثقی
 قدرت و اتبناه کاه صفیحه (تربیت) موجب تعظیبت
 مردم دل آگاه زمانی مقالات دلپذیر دعوة الحق سرمایه
 بصیرت و باخبری کاهی یایه بیداری از خواب غفلت
 مضاین رنگین (ثریا) و (ایوان) و (مظفری) میگرد
 تا کنون که یکباره نره شب دیور ظلمت جهل زدوده
 و تاریکی نادانی و بی بصیرتی بکنج خمود و خمول غوده
 خورشید علم عالم را ضیاء و نور دانائی و بینائی چهره نما
 گردیده و جریده . چهره نما دایر در اصرار و بلدان
 سیاره سان سائر شده عالم معنی را جانی تازه و معنی عالم را
 فتوحی بی اندازه دست داد

برید باد صبا دوشم آکھی آورد

که روز محنت و غم را بکونهی آورد

حباب وار براندازم از نشاط کلاه

ازین نوید که مرغ سحر کھی آورد

زهی سعادت عظمی و طالع غراء که چهره نما گردیده

تا علم الیقین اخبار عالم عین الیقین و امور مسموعه سرئی

و مشاهد کهن و مهین گردد تا مزید بصیرت رامتی و صبغه

رافد کما هو حقه گردد فلها با زبانی کابل و بیانی علیل نیاز

تبریک را بدان حضرت . . انقاذ و محقر تحفه تمهیت دران

حضور افاضت ظهور ارسال داشته از دربار حضرت واهب

المطایب سائل و آلم که این دولت جوانرا چون عقل بند

عالم گیر و روشنی بخش چشم صغیر و کبیر گرداند انه قریب

عجیب و بالاجابة حقیق جدید مهرزا مهدی نواده

حجته الاسلام طاب ثراه

مکتوب از تبریز

خدمت مدیریت و دبیر . . چهره نما

مکتوب از ذوقول
بعد القاب - بغداد کریمه انرا از الله شیبگایا

الان که مشغول تسطیر این سطور هستم بکجا تمام است که ناخوشی منحوس وبا در اطراف واکناف تبریز انتشار یافته و برخی از هموطنان نادان که از حقیقت و معنی علم و عالم بیخبر هستند در این اوقات در گرداب جهالت و ضلالت و در وادے هلاکت مستغرقند در معابر طرق و قهاوی بازار مشغول روده درازی و ژاژ خائی و جفنگ بافی هستند یعنی مذکورات کتاب فالنامه را آموخته و بر کرده مردم را از صرافت و خیال طبابت باز گذاشته و فریفته خود ساخته اند و نمیکذارند که فقرا و مساکین نوبا و کان خودشانرا معالجت نموده و ازین مشقت و مصیبت خلاصی یابند اشخاصیکه اولاد و اطفال خودشانرا مداوا کرده و از تفضل خداوند متعال صحت یافته اند با اینکه این جهال برای العین انهارا می بینند و میشوند باز هم از نیت سست و بی معنی خودشان منصرف نمیشوند و از ترهات و مزخرفات دست برنمیدارند و از کرده و گفته خود خجالت نمیکشند و سکوت را اختیار نمیکند و بعضی که ابدا سواد ندارند و با اصطلاح هر را از بر نمیتوانند فرق گذارند و تمیز دهند دیگرانرا که بقدر امکان حفظ صحت نموده و دوا خورده و از میوه جات که سراپا مضر و منسداست

اجتناب ورزیده بفرنگی مآب نسبت میدهند و در پشت سرش بعضی لاطایلات میکوبند و الله عجب ملت بدنجت و سرگردان و نادانیم ندیده بصیرت داریم که خوبرا از بد جدا سازیم و نه داد و فریاد بجراید ملیه در طبیعت ما تاثیر میکند و نه از وعظ و اعظاین متنبه میشویم و نه از نصیحت ناصحان پند گیریم و نه از تالیفات و اشارات مصنفین فاضل و کامل میکیریم هر سخن و فعلیکه مطابق فکر و موافق خیال ما نیاید فوراً رد و اعتراض کرده کوئیم این فقره در حدیث وارد نشده و مذکور نیست اورا قبول نکنیم تبریز که جان و مرکز ایالت آذربایجان است سوای از دوسه مدرسه ابتدائی که هر یک بیشتر از پانزده نفر شاگرد ندارد نداریم با این وضع و حالت ترقی توان کرد و اگر نونهالان وطن بمدرسه اجنبیه روند تا اینکه در مدارس ایشان تحصیل و تدریس نمایند و علم بیاموزند خائنین ملت و دولت بد میکوبند و راضی نمیشوند نمیدانم پس کدام سنک را بسر بگویم و درد ما را بکه کوئیم و از که ناله کنیم و بکه پناه بریم در شهر مثل تبریز اقلاً بایستی بیست باب مدرسه ابتدائیه و عالیه بودی و چندتا روزنامه ملی طبع شدی باری آخر از هر طرف مایوس شویم غیر از ماجا و پناه گاه جرائد نداریم بگویند و بنویسند و بر شدائد

خرج کرده است و این روزها قریب با تمام است
در آینده انشاء الله تعالی تفصیل عده دکانین و مغازه
هائیکه تازه بنشده و میشود و خواهد شد عرض
خواهم کرد (خیر خواه وطن)

عالم معارف اعموماً و حکمتیانرا خصوصاً بشارت

حکمتیانرا سراسر مژده باد

باز حکمت حکمت از نوجلو داد

بارخی خورشید سان رخشنده شد

شرقیانرا معرفت بخشنده شد

معظمتین نعمت نادره . با فیض و برکت فاعره .
دادار آسمانی . و مکاتبتین مراحم . حضرت یزدانی . که
نسبت بدولت و ملت ایرانی . ارزانی است بدون زاید سخن
چینی (که اوستایش عین است و از توصیف مستغنی) کرامی
نامه مشکین ختامه جریده حکمت است
بنه سی کتاب ارانی عیاناً

اجلی و اشرف نوع المقول

فالفاظه والمعانی جمعاً

یرانی العیون مراعی العقول

که از رشحات معارف اثرات خامه حکمت و موعظت
آمه بزرگ استقام کامل معانی منج بکانه . و معظم حکیم فاضل
معالی اورنج فرزانه مهزنا محمد مهدی خان زعیم الدوله است
که دوباره رونق افزای عالم ادبیات . و زینت آرای
جهان مطبوعات گردیده شد .

(فلك في فلك فيه نجوم)

صدف في صدف فيه درر)

صبر و شکیبائی نمایند تا این گروه را از حضمیت ظلمت
بذروه روشنائی آرند و در این باب امید مان بقلم
آزاد روزنامه وحیده و جریده حمیده (چهره نما)
داریم چنانکه از آثار تحریرات و علائم مقالاتش
معلوم میشود که ان منت بزرگرا برگردن این
ملت و جماعت بیچاره بگذارد که محرر و دبیر فاضل
روزنامه (مثاق) برگردن هموطنان خود آرامنه
و دیعت گذاشته و نام نیکوئی را از میدان ربوده است
خلاصه از مطلب دور افتادم امروزها اغلب
مردم شهر وضع و شریف و بزرگ و کوچک از شهر
خارج شده و بیرون رفته اند باقی اهالی شب و روز
در مساجد و مجالس مشغول غر اداری و سوگواری
هستند و با کمال خضوع و خشوع رفع و دفع این
بلای نا کهنانی را از درگاه الهی مسئلت مینمایند امید
که عنقریب بر طرف خواهد شد دیگر چیز یکه
قابل درج ستون جریده . . (چهره نما) باشد
اقدامات و اصلاحات جناب جلالتماب اجل اکرم
اقای مجید الملک باشد که الحق و الانصاف در مدت
این دو سال خدمات شایان بملت و دولت خود کرده
است چه دوسالت که علی الاتصال مشغول آبادی
یکجایی خیلی وسیع است در طرف و بلای پل مشهور
(بقاری کوریس) تخمیناً صد و پنجاه هزار تومان

ده منات هندوستان بازده رویه است بقاودوام این اداره مقدسه را ناقبام قیامت خواهان ونوفیق جناب مدیر پاك ضمیر شرا از خداوند سبحان بازبانی الکن مسئولیم رجا مندیم سالهای فراوان این اساس انسانیت و بساط مدنیت بر قرار ودولت ومات ایرانیه از فیوضات کامله او بر خور دار باشند

تبریک

همت بلند دار که مردان روزگار * از همت بلند بجائی رسیده اند (انسان گوهریست کرنمایه وتابناک . وغنصریست عرش پایه وسراپا ادراک . از سستی بذک وتانی واز چستی بعزت وترقی رسد باعث ابتدال ومسکنت وسبب استقلال ومکنت خوداوست (لیس للانسان الاماسی) سعی تورا عزت وجهت دهد * ورنه تورا روزسیاهت دهد سعی وکوشش جناب اقا محمد علی معین التجار رشتی را بر علو مقام افزود - چنانچه در این اوقات بواسطه جمع آوری نمودن اعانه بجهت راه آهن مکه معظمه بیک قطعه مدال افتخاری که از نشانهای طریق حجازیست از جانب دولت سنیه عثمانی مفتخر آمدند اعضاء اداره (چهره نما) صمیمانه جنابشانرا تهنیت مینمایند وامتداد عزت واقبالشانرا ابدی از خداوند خواهانند (براین دعاهمه کروییا کنند آمین

(اعلان)

این روزنامه ملی که مبنی بر خدمات صادقانه است ومقصودش خدمت بدولت وملت است بر همه صاحبان عظام واقایان کرام روشن است که هیچ منظوری بجز دولت خواهی وملت پرستی ندارد باوجود زحمات فوق العاده واخراجات فوق الطاقه ومصارف ترسیمات وفونوغراف که باید ژونوغراف شود ومخارج

اگرچه چندی بود . این بدر صدر فلك دانشوري باخسوف تطاول همقرین . واین مهر سپهر معارف پروری باحق تعطل هم نشین . وبسوی وطن پاك وانکوهر مقدس تابناک ره گزین گردیده بود .

چون بکزار وطن اورفته بود

بی بهارش غنچه ها نشکفته بود

کرد در خاک وطن انسان درنگ

که معارفرا گرفت آینه زنگ

پس سوی مصر معارف اوشتافت

رنج ومحنت زین سفر بسیار یافت

نك زداید زنگ ازدر سخن

اوزمرآت دل اهل وطن

محقق است ترقیات عالیه حالیه بحر العقول دول ومال معظم بسته بازدیاد دوائر معارف ومعلومات وکرامی داشتن این سلسله است چرا که اربابان جراید متادیان فوز وفلاح وچاووشان قافله رهسپاران دیار عزت وصلاحند همین قدر که در هیئت جامعه ملت اشخاصی نادر آسمان وهم خیال با مقاصد عالیه انها باشند وبقلوب جراحت حسرت دیده انها التیانی گذارند وباعث تشویق بشوند بانندی جهال هم از کدر اغفال خودرا نجات داده وکوش مردمی به نصایح بی غرضانه ومواعظه عاقلانه اربابان جراید فراداده وبانندک زمانی در یک ملت متفرقه تنسیج وحدت کامله ملیه میشود واختلاف طبایع وتباین قومیت بیک هیئت جامعه مثل زنجیر مسلسل مبدل ومتمد میگردد اللهم ارزقنا وعلی جمیع المسلمین) علی العجلاله این کرامی روزنامه مبارکه حکمت ماهی سه بار هرده روز یکبار در مصر بطبع میرسد ودرسال آینده درهر هفته یکبار چاپ خواهد شد آینه حالیه او در مصر وبلاد عثمانی وتمامی اروپا یک لیره انکلیسی است ودر ممالک ایران چهار تومان ود. رویه

طبع وعكس وكاغذ وپست وانعامات وغيره غيره مع ذلك آبونه را باين قيمت قرار داديم كه همه كس قوه اشتراك داشته باشد ودر ادای آبونه پيشكي او تكاهل نوزد با وجود اعلانات قبل تا حال ديناري از حقوق اداره از خارجه نرسیده است فقط داخله قطر مصر اعضا اداره را رهين امتنان داشته و آبونه را پرداخته ويكي دو نقطه روسيه

اعلان ياسر مشق بدر المنير

جناب فضائل آداب جبران افندي نعمت الله ناظر مدرسه اقباط ارثوذكسين در اسکندريه كه امروز در قواعد دروس معلمين مكاتب ابتدائي بطرز جديد يد طولائي دارد ومسلم تمامي معلمين مصر است كه شخصش در اين فن معتبر زحماتي كونا كونا ورنجهاي از حد احصا بيرون كشيده است تا آنكه براسم و آداب امروزه كتبي بجهته نوباوه گان وطن تاليف وتصنيف كرده است اينك بتازه كي كتابي تاليف كرده مسمي



به (بدر المنير) اين كتاب بطرزي مرغوب واصولي خوش اسلوب كه مبتد يانرا بسرسوق آورد ومعلمين را كيفيت ذوق دست دهد حروف تهجي را بصور مختلف

در آورده وبمناسبت شواهد در هر جا صورتی رسم كرده است مثل خواهر و برادر و سرباز كه ما دراينجا رسم كرديم در حقيقت اين كتاب بجهته اطفال نو آموز بسيار مفيد است هر كس از هر جا طالب بوده باشد بواسطه اداره (چهره نما) كامياب خواهد شد قيمت اودر بلاد ايران بانضمام پست يكقران نيم است



اسامي وكلاي عظام روزنامه چهره نما

(در بلاد معظم ايران)

(دار الخلفه طهران) جناب اقا ميرزا سيد حسن

انا كاشاني .
 (دار السلطنه تبريز) اداره مباركه كتابخانه تربيت وكنجينه فنون .
 (دار السلطنه اصفهان) جناب اقا عبد الحسين جناب تاجر اصفهاني .
 (مشهد مقدس) جناب اقا ميرزا محمد صادق خان رئيس راهشوسه .
 (رشت) جناب آقا ميرزا حبيب الله خان مدير مدرسه وطن .

(كرمان) جناب ميرزا كيخسرو شاهرخ مدير انجمن ناصري ورئيس مدارس زرتشتيان .
 (بندر بوشهر) جناب اقا ميرزا عبد الوهاب خان سروش الملك رئيس پستخانه مباركه .
 (بندر انزلي) جناب اقا ميرزا ابو ذر تاجر انزلجي (قزوین) جناب اقا ميرزا ابشر الملك رئيس پستخانه مباركه وصندوق ماليه .

(شيراز) جناب اقا شيخ عبد الرسول اقا شيرازي .
 (كردستان) جناب اقا ميرزا محمد حسين وقايع نكار دربار اعظم .

(محمره) جناب اقا ميرزا جعفر خان منشي كارگذاري (اردبيل) جناب اقا ميرزا علي نقی خان امين تذكرة .

(استرآباد) جناب اقا ميرزا محمد علي ارباب مشير التجار تاجر طهراني .

(دز فول) جناب اقا ميرزا محمد مهدي نواده اقا حجت الاسلام طاب الله شراه .

(بندر عباس) جناب اقا سيد حسن اقا تاجر طنزي بقيه دارد